

رابطه احساس محرومیت نسبی با هویت قومی (مطالعه موردی: جمعیت بلوچ شهر زاهدان)

سید ابراهیم قلی زاده^۱

استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۰

تأیید نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۲/۸

چکیده:

با وجود این که احساس محرومیت نسبی کم و بیش در بین جمعیت مناطق مختلف کشور وجود دارد، ولی این احساس در مناطق اقلیت های قومی بیشتر مشهود است. از طرف دیگر هر قوم علاوه بر هویت ملی دارای یک هویت قومی است که اگر هویت قومی در مقابل هویت ملی تقویت گردد، می تواند همبستگی ملی را تضعیف نموده باعث چالش ها و ستیزهای قومی گردد. در بین اقوام مختلف، قوم بلوچ در یکی از محروم ترین مناطق جغرافیایی کشور زندگی می کند که به سرعت احساس محرومیت می تواند در آن گسترش یابد که در این میان شهر زاهدان به دلیل مرکزیت سیاسی استان سیستان و بلوچستان و ترکیب جمعیتی خاصی که دارد، طلایه دار این تحولات محسوب می گردد. در این مطالعه سعی شده است با گردآوری اطلاعات مکتوب و داده های میدانی به روش توصیفی - تحلیلی و همبستگی به سوالات ذیل پاسخ مناسب ارائه گردد: ۱- سطح احساس محرومیت نسبی در شهر زاهدان در چه حدی است؟ ۲- گرایش به هویت قومی به چه میزانی است؟ ۳- رابطه بین احساس محرومیت نسبی در ابعاد مختلف با هویت قومی چگونه است؟ پس از مطالعه میدانی مشخص گردید که احساس محرومیت نسبی و گرایش به هویت قومی در بین مردم بلوچ شهر زاهدان در حد زیاد است و همچنین بین احساس محرومیت نسبی با هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: قومیت، هویت، هویت قومی، هویت ملی، محرومیت نسبی

مقدمه

ها و غیر بلوچ ها در این شهر و نخبه‌گزینی مراکز استانی نسبت به سایر شهرستان ها که از اطلاعات سایر مناطق جغرافیای نیز برخوردارند، احساس محرومیت نسبی در این شهر نسبت به سایر شهرستان ها بیشتر و سریع تر به وجود می‌آید و می‌تواند از این طریق به سایر نقاط بلوچ نشین استان سرایت نماید. بنا به دلایل مذکور این شهر برای سنجش متغیرهای مستقل و تابع مد نظر این مطالعه می‌تواند، یکی از بهترین گزینه‌ها باشد.

در این مطالعه ما با سه سؤال الف) سطح احساس محرومیت نسبی در میان جمعیت بلوچ شهر زاهدان در چه حدی است؟، ب) گرایش به هویت قومی در میان جمعیت بلوچ به چه میزانی است؟ ج) رابطه بین احساس محرومیت نسبی در ابعاد مختلف با هویت قومی چگونه است؟ مواجه هستیم که تلاش می‌شود در فرآیند پژوهش پاسخ درخور به آنها داده شود.

مفاهیم و مبانی نظری مسئله

در این بررسی با مفاهیم اصلی چون، قوم، هویت، هویت قومی، هویت ملی و با دیدگاه‌های مختلفی راجع به محرومیت نسبی مواجه هستیم که پرداختن به آنها در ابتدای مطالعه از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

- قوم

راجع به قوم و قومیت تعاریف گوناگونی ارائه شده است که به چند مورد اشاره می‌گردد. به مجموعه‌ای از جماعات انسانی که از یک منشأ نژادی برخاسته‌اند و دارای زبان و فرهنگ و تاریخ مشترک دیرینه‌اند «قوم» گفته می‌شود. یک قوم ممکن است در زمان کنونی در یک سرزمین

ایران کشوری کثیرالقوم است که هویت ملی در آن ترکیب جامعی از هویت‌های قومی است. با این حال ممکن است تأکید بیش از حد یک قوم بر هویت قومی خاص در مقابل هویت ملی منجر به تضعیف همبستگی ملی، برهم خوردن انسجام اجتماعی و یکپارچگی سرزمینی گردد. عوامل و شرایط مختلف می‌تواند در گرایش شدید به هویت قومی دخیل باشد که یکی از این عوامل احساس محرومیت نسبی است. احساس محرومیت نسبی در بسیاری از مناطق زندگی اقلیت‌های قومی کشور کم و بیش مشاهده می‌گردد. این مسئله بارها از زبان نخبگان قومی و حتی مردم عادی شنیده شده و می‌شود. صرف نظر از این که وجود محرومیت نسبی، چقدر با واقعیت منطبق است، خود احساس محرومیت می‌تواند، منجر به تقویت هویت قومی و قوم‌گرایی شده، همبستگی ملی را با چالش مواجه نماید. از میان اقوام مختلف ایران قوم بلوچ در یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور زندگی می‌کند. با توجه به محرومیت منطقه این احساس می‌تواند به سرعت به توده مردم منتقل گشته، موجب تقویت افراطی هویت قومی در مقابل هویت ملی گردد.

شهر زاهدان به عنوان مرکز استان سیستان و بلوچستان به دلیل مهاجرپذیری از داخل استان، استان‌های مجاور و خارج از کشور، از یک ترکیب قومی ناهمگنی برخوردار می‌باشد. این شهر برخلاف بسیاری از شهرهای استان (به استثنای زابل و زهک) که تقریباً قریب به اتفاق بلوچ هستند، از ترکیب تقریباً ۵۰ درصد بلوچ و ۵۰ درصد غیر بلوچ برخوردار است (گندمکار، ۱۳۸۹). از طرف دیگر به دلیل مجاورت و تعامل بین بلوچ

معنی تشابه و یکسانی گرفته شده است. در تعریف هویت، علاوه بر شناخت خود، تصور دیگران هم مطرح است و به عنوان تعادل بین آن چه مورد توجه خود و آن چه مورد توجه دیگران است، تعریف می گردد (Kroger, 1996). بنابراین، به قول جنکینز، هویت به طور همزمان دو نسبت محتمل را میان افراد یا اشیاء برقرار می سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱). هویت دارای ابعاد و سطوح مختلفی است. در یک تقسیم بندی کلی، هویت به دو نوع هویت فردی و هویت جمعی (گروهی) تقسیم می شود. هویت فردی به هویتی اشاره دارد که از فردیت یک فرد ناشی می شود (Sassenberg, 2005) و هویت جمعی هم به تعریف فرد از خود به مثابه عضوی از یک گروه خاص اشاره دارد (Copeland, 2008).

- هویت قومی

« هویت قومی، منعکس کننده احساس عضویت در یک گروه با ویژگی های فرهنگی، زبانی یا مذهبی است » (Tammeveski, 2003) هویت قومی یکی از انواع هویت جمعی است که به مجموعه مشخصات و ویژگی های فرهنگی اطلاق می گردد که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می کند و بین اعضای یک قوم احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آن ها را منسجم می کند. هویت قومی در سطحی پایین تر از هویت ملی یا جامعه ای قرار دارد (احمدلو، ۱۳۸۱). بنابراین، هویت قومی، مجموعه خاصی از عوامل عینی و ذهنی و فرهنگی و اجتماعی و عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می شود و آن را نسبت به دیگر گروه ها متمایز می سازد، زیرا که این هویت باید با واقعیت همان گروه منطبق باشد (الطایی، ۱۳۸۲).

مشخص با مرزهای معینی به نام کشور ساکن باشند، یا به سبب پیشامدهای تاریخی از هم جدا شده، شاخه های آن در میان چند کشور تقسیم شده باشند، یا شاخه هایش در اثر مهاجرت در سرزمین های متعددی پراکنده و اسکان یافته باشند (خنجی، ۱۳۸۶). به بیان دیگر قوم یک گروه انسانی - نژادی است که از زبان، فرهنگ، روش زندگی و تمایلات گروهی ویژه ای در چارچوب یک شاخه بزرگ برخوردار است، به قسمی که حتی از دیگر گروه های نژاد خود قابل تشخیص و تفکیک می گردد (الطایی، ۱۳۸۲). همچنین گفته می شود، قوم اجتماعی از افراد است که دارای «منشأ مشترک» (اعم از واقعی یا خیالی)، سرنوشت مشترک» و «انحصار نسبی منابع ارزشمند» (پاداش، روز، احترام و معرفت) می باشند و در ارتباط با سایر گروه ها و اقوام و بر اساس رموز و نمادهای فرهنگی مشترک در یک میدان تعامل درون گروهی، با کسب هویت جمعی، مبدل به «ما» شوند (چلبی و همکاران، ۱۳۷۸).

بر اساس تعاریف مذکور، می توان گفت قومیت یک پدیده فرهنگی - اجتماعی است و اقوام نیز بر اساس تفاوت های فرهنگی (نمادها، ارزش ها، هنجارها و مناسک) و اجتماعی (خصوصیات رابطه ای) از یکدیگر متمایز می شوند.

- هویت

هویت شناسنامه فرد یا گروه است که او را از سایر افراد و گروه ها متمایز می کند. نویسنده ای هویت را مجموعه ای از مشخصات می داند که موجب بازشناسی شخص، حیوان یا مکان از سایر هموعانش می شود (شیخاوندی، ۱۳۸۱). همچنین هویت بر اساس فرهنگ آکسفورد از ریشه لاتین Indentitas است که از idem به

- هویت ملی

محتوای مفهومی هویت ملی آن چنان گسترده و غیر شفاف است که دادن تعریف دقیقی از آن بسیار دشوار می نماید (Craing young, 2001). هویت ملی بیان گر این مطلب است که تک تک اعضای یک ملت همدیگر را عضوی از یک ملت و واحد قلمداد کنند ولو این که اعضای آن نسبت به همدیگر غریبه و ناشناس باشند (Kong, 1999). هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) است. مهم ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می شوند، عبارتند از: سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات و مردم و دولت است. در درون یک اجتماع ملی، میزان تعلق و وفاداری اعضا به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، احساس هویت آن ها را مشخص می کند (یوسفی، ۱۳۸۰). در موضوع هویت ملی، سؤال این است که فرد خودش را عضو چه واحد سیاسی می داند و تا چه اندازه ای این هویت شناسی با واحد سیاسی مرتبط و وابسته است. در مسئله هویت ملی، افراد یک ملت باید احساس کنند که در بخشی از فرآیند هویت شناسی و هویت یابی خود به وسیله سرزمین، کشور و ملت خود شناسایی می شوند و سرزمین ملی خود را سرزمین مادری بشناسند، وفاداری آن ها به ملت خود باید بیش از وفاداری به طبقه، کاست، گروه، قوم و یا نژادشان باشد و یا لاقلاً این وفاداری ها در راستای وفاداری به آرمان ها، ارزش، نمادها و حدود و ثغور سرزمین ملی شان باشد (قیصری، ۱۳۸۱).

- احساس محرومیت نسبی

نظریه محرومیت نسبی برای تشریح خشونت ها، ناآرامی ها و بحران های قومی در مطالعات

اجتماعی کاربرد زیادی دارد. این نظریه بیشتر به عوامل عینی در جایگاه منشأ چنین واگرایی های قومی نظر دارد. براساس این رویکرد، نارضایتی و شورش قومی هنگامی صورت می گیرد که مردم به این نتیجه برسند که کمتر از آنچه حششان است دریافت می کنند. به نظر تد رابرت گر محرومیت نسبی (اعم از فردی یا جمعی) نتیجه احساس وجود شکاف غیرقابل تحمل میان توقعات ارزشی و قابلیت های ارزشی است (مقصودی، ۱۳۸۰). الیورت ارنسون نیز تأکید می کند: «انقلاب ها و شورش ها توسط مردم محروم آغاز نمی شود، بلکه توسط مردمی آغاز می شود که تازه سر بلند کرده اند و با مقایسه وضعیت خود و دیگران متوجه بی عدالتی های حاکم بر شرایط زندگی خود می شوند.» (همان) استوفر عقیده دارد: احساس محرومیت نسبی وقتی پدید می آید که مقایسه پاداش ها با پاداش های دیگران در یک «گروه مقایسه» بر مقایسه وسیع تر ترجیح پیدا کند (Hegtvedt & Markovsky, 1995). ویلیامز می گوید: احساس محرومیت نسبی ناشی از «دریافت کمتر از توقع فرد» است. به نظر «رانسی من» نیز احساس محرومیت نسبی زمانی پدید می آید که انسان:

- ۱- یک وسیله ارضاء نیاز را ببیند و ادراک کند
- ۲- ببیند که افراد دیگر آن وسیله را در اختیار دارند
- ۳- او نیز میل به داشتن آن کند
- ۴- اما امکان به دست آوردن آن را نداشته باشد (رفیع پور، ۱۳۷۰).

وقتی اعضای گروه های قومی برای خود جایگاهی فروتر از اقوام دیگر (در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) متصور شوند، این تصور منجر به نارضایتی آنان می گردد و عاملی

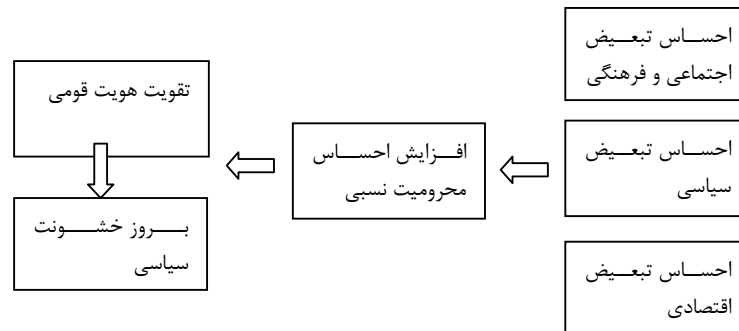
اساساً هویت قومی زمانی اهمیت پیدا می کند که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقاتشان به آن گروه، رفتاری تبعیض آمیز در مقایسه با گروه های دیگر صورت گیرد، یعنی یک گروه قومی، به دلیل قومیت خود در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرند (به نقل از قاسمی، ۱۳۸۱)». گر سه نوع تبعیض را از هم تمیز می دهد: اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. تبعیض اقتصادی، زمانی است که اعضای یک گروه قومی به صورت نظام مند در دسترسی به کالاها، شرایط یا مناصب مطلوب اقتصادی که به روی دیگران گشوده است محدود می شوند. تبعیض سیاسی، یک گروه قومی در صورتی تحت تبعیض سیاسی است که اعضای آن در اعمال حقوق سیاسی خویش یا دسترسی به مناصب اداری و سیاسی در مقایسه با دیگر گروه های جامعه، به صورت نظام مند دچار محدودیت شده باشند. تبعیض فرهنگی، زمانی یک گروه تحت تبعیض فرهنگی است که اعضای آن در پیگیری علایق فرهنگی یا ابزار و اجرای رسوم و ارزش های فرهنگی خویش محدود شده باشند (قاسمی، ۱۳۸۱).

بر اساس دیدگاه های مطرح راجع به محرومیت نسبی و هویت قومی می توان این چارچوب نظری را استنباط نمود. «احساس محرومیت نسبی یا تبعیض در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، گروه های قومی را به سوی تقویت هویت قومی خود سوق می دهد تا با بهره گیری از توان های قومی به دنبال مطالبات خود باشند که این مسئله باعث کاهش همبستگی ملی و بروز خشونت سیاسی می گردد.» این بیان را می توان به صورت مدل مفهومی زیر ترسیم نمود.

برای همبستگی بیشتر قومی می شود. البته این مقایسه لزوماً مقایسه بین خودی و غیرخودی نیست و ممکن است مغایر شرایط کنونی خود با وضعیت گذشته باشد. همچنین محتمل است احساس محرومیت افراد واقعی نبوده و ساختگی باشد. اندیشمندان این رهیافت بر این اعتقادند که محرومیت نسبی محصول دوران نوسازی است و اصولاً در جوامع سنتی که تغییر و تحولات بسیار کند است، چندان مقایسه ای هم بین اقوام صورت نمی پذیرد (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶).

هر قدر میزان احساس محرومیت در یک قوم بیشتر باشد و آن قوم احساس کند فرهنگ و زبان و ارزش هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است، گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی در آن قوم تشدید می شود که در حالت افراطی به صورت قوم مداری متجلی شده (قیم، ۱۳۸۰) به خشونت می گراید. وقوع خشونت اولیه در میان گروه همگنی از محرومان، معمولاً به واکنش های غیرعقلانی در مقابل محرومیت شدید خواهد انجامید. چنانچه در فرهنگ یا خرده فرهنگی خشونت امری پسندیده یا مناسب دانسته شود، احتمال بروز خشونت داخلی، در جامعه که چنین فرهنگی را از راه فرآیندهای جامعه پذیری منتقل می کند، بیشتر خواهد شد. اگر خشونت روزنه مناسبی برای تنش ها گردد، یا مقامات را به اصلاح سرچشمه های محرومیت برنیا نگیرد، خشونت داخلی قادر خواهد بود به یک فعالیت گروهی مسلم تبدیل گردد (Coeser, 1972).

از جمله خشونت های یک جامعه می توان به بروز اختلاف قومی، در واقع، تضاد میان اقوام با دولت مرکزی اشاره کرد. گر در تبیین این کشمکش ها از احساس تبعیض شروع می کند. گر می نویسد: «



شکل ۱: مدل مفهومی

بازوهایی بر دل این کوهها نفوذ کرده است و در برخی جاها این دشت با دشت های کوچک مجاور از طریق تنگه ها و گردنه ها مرتبط می شود. از نظر اقلیمی دارای اقلیم گرم و خشک می باشد. به علت وزش بادهای جنوب غربی و شمال غربی، هوای این شهر بسیار خشک است. این بادهای هنگام عبور از نواحی غربی بیشتر رطوبت خود را از دست داده اند به همین دلیل وزش این بادهای در شهر زاهدان باعث خشکی بیشتر می گردد. دمای هوا در روزهای گرم تابستان به ۴۰ تا ۵۰ درجه سانتی گراد و در شب ها به ۱۵ تا ۲۵ درجه می رسد (سازمان پارک ها و فضای سبز زاهدان، ۱۳۸۵). میزان بارندگی زاهدان به نسبت متوسط بارندگی کشور ناچیز است، به طوری که متوسط بارندگی آن طی سال های ۸۳-۱۳۶۰ حدود ۶۴/۶۷ میلی متر بوده است (www.weather.ir). به لحاظ منابع آب در فقر به سر می برد، چون در زاهدان رودخانه دائمی جریان ندارد و سفره های آب زیرزمینی آن نیز با بیلان منفی مواجه است. تا سال ۱۳۸۴ آب شرب این شهر از طریق ۴۱ حلقه چاه که در سفره های آب زیر زمینی کوچک حفر شده بود تأمین می شد و شور بود، اما بعد از انتقال آب شیرین زابل

فرضیه های تحقیق

با توجه به ادبیات موضوع و نظریه پایه (نظریه رابرت گر)، فرضیه های زیر در رابطه با مسئله مورد پژوهش شکل می گیرد:

۱- بین احساس محرومیت نسبی در بعد فرهنگی - اجتماعی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

۳- بین احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

۴- بین احساس محرومیت نسبی در حالت کلی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

معرفی قلمرو مورد مطالعه

شهر زاهدان از نظر موقعیت ریاضی در طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۴۵ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه شمال واقع شده است. ارتفاع متوسط این شهر از سطح آبهای آزاد حدود ۱۳۴۰ متر می باشد. به لحاظ توپوگرافی این شهر در قسمت شمالی دشت کوچکی قرار گرفته که اطراف آن را کوههای متعدد احاطه نموده و قسمت هایی از این دشت به صورت

این مطالعه به دنبال تعیین رابطه بین محرومیت نسبی و هویت قومی است، به همین دلیل روش تحقیق از نوع همبستگی است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای و میدانی می باشد. اطلاعات مربوط به ادبیات مسئله از طریق اسناد و مدارک مکتوب و داده های مربوط به آزمون فرضیه ها به شیوه میدانی و پیمایشی جمع آوری گردیده است. جامعه آماری این پژوهش جمعیت بلوچ شهر زاهدان است و نمونه آماری نیز بر حسب میزان جمعیت تعیین گردیده است. البته راجع به میزان جمعیت بلوچ در این شهر آمار دقیقی وجود ندارد، لیکن برخی از برآوردها نشان می دهد که از جمعیت ۵۶۷۴۴۹ نفری شهر زاهدان در سال ۱۳۸۵ تقریباً ۵۰ درصد یعنی ۲۸۳۷۲۴ نفر بلوچ هستند. با توجه به تعدد جمعیت با استفاده از فرمول کوکران از این جامعه آماری ۳۲۳ نفر به عنوان نمونه جهت مطالعه انتخاب گردید.

-اعتبار و پایایی

برای سنجش اعتبار و پایایی پرسشنامه، تعداد ۴۰ نسخه پرسشنامه محقق ساخته با ۲۲ گویه جهت سنجش احساس محرومیت نسبی و ۲۸ گویه در رابطه با هویت قومی در بین جمعیت بلوچ شهر زاهدان تکمیل گردید. پس از استخراج اطلاعات مشخص گردید که طبق ضریب آلفای کرونباخ، تعدادی از گویه ها نسبت به هم از همبستگی ضعیفی برخوردارند و یا این که برای مخاطب نامفهوم هستند، آنها اصلاح یا حذف شدند. سرانجام تعداد ۱۴ گویه برای سنجش محرومیت نسبی با روایی ۰/۸۱ و تعداد ۱۷ گویه برای سنجش هویت قومی با روایی ۰/۷۶ انتخاب گردید.

به زاهدان در سال ۱۳۸۴ قدری کیفیت آب بهبود یافته است.

شهر زاهدان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، حدود ۵۶۷۴۴۹ نفر جمعیت دارد این در حالی است که در سال ۱۳۳۵ جمعیت آن فقط ۱۷۴۹۵ نفر بوده است. نرخ رشد جمعیت در این شهر نسبتاً بالا بوده است. به طوری که طی دهه های ۱۳۵۵-۱۳۴۵ نرخ رشد آن ۸/۹ درصد و در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ متوسط نرخ رشد ۱۱/۶ درصد بوده است. در دهه ۷۵-۱۳۶۵ با یک کاهش قابل توجه به ۴ درصد می رسد و در دهه ۸۵-۱۳۷۵ نیز به حدود ۳ درصد می رسد ولی با این حال نرخ رشد جمعیت در این شهر از خیلی جاها بیشتر است. علی رغم این که بخش قابل توجهی از افزایش جمعیت ناشی از میزان مولید بالا در این شهر می باشد، بخشی نیز به دلیل مهاجرت است. به طوری که گفته می شود، بیشتر ساکنان شهر زاهدان را مهاجران داخلی از شهرهای نزدیک (از جمله زابل، خاش، بیرجند و کرمان) تشکیل می دهند. علاوه بر آن طبق برآورد کمیته برنامه ریزی شهری زاهدان وابسته به شهرداری حدود ۳۰ درصد از جمعیت این شهر را اتباع خارجی، عمدتاً از کشور افغانستان، تشکیل می دهند (صفوی، ۱۳۸۱). مطالعات و برآوردها نشان می دهد که حدود ۵۰ درصد از جمعیت این شهر را بلوچ های سنی مذهب و ۵۰ درصد را نیز غیربلوچ های شیعه مذهب تشکیل می دهند (استانداری سیستان و بلوچستان: ۱۳۸۹، گندم کار: ۱۳۸۹). به لحاظ اقتصادی نیز این شهر در یکی از محروم ترین مناطق کشور واقع شده است.

روش تحقیق

-ویژگی های پاسخگویان

مختلف رعایت گردد. با استخراج پرسشنامه ها و طبقه بندی آن ها در سه گروه سنی نیز مشخص شد که این تناسب تا حد زیادی وجود دارد (جدول ۱).

اگرچه نمونه ها بر حسب گروه های سنی سهیمه بندی نگردیدند، اما سعی شد در انتخاب آنها تناسب بین نمونه ها و میزان جمعیت سنین

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب سن

سن افراد	فراوانی	درصد
۱۸ - ۲۹	۱۱۷	۳۶.۲
۳۰ - ۴۴	۱۳۷	۴۲.۴
۴۵ و بالاتر	۶۹	۲۱.۴
جمع	۳۲۳	۱۰۰

تکمیل می شد، نسبت مردها تقریباً بیش از دو برابر زن ها است (جدول ۲). با توجه به پیروی اغلب زن های خانوارهای بلوچ از مردها جمعیت زیاد مردها نسبت به زن ها نمی تواند، تأثیر قابل توجهی در نتیجه تحقیق داشته باشد.

با وجود این که به لحاظ نسبت جنسی در استان تعادل وجود دارد و سعی گردید که در تکمیل پرسشنامه ها به این موضوع توجه شود، ولی به دلیل استقبال قابل توجه مردها نسبت به زن ها از پرسشنامه هایی که با مراجعه به درب منازل

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۲۵	۶۹.۷
زن	۹۸	۳۰.۳
جمع	۳۲۳	۱۰۰

تشکیل می دهند. ولی با این وجود بیش از یک چهارم آنها مجرد هستند (جدول ۳).

با عنایت به این که پاسخگویان از جمعیت بالای ۱۸ سال انتخاب شدند، درصد قابل توجهی از جمعیت نمونه های مورد مطالعه را متأهل ها

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
متأهل	۲۴۲	۷۴.۹
مجرد	۸۱	۲۵.۱
جمع	۳۲۳	۱۰۰

تقسیم بندی شدند. در بین گروه ها بیشترین فراوانی مربوط به سطح سواد زیر دیپلم می باشد. البته فراوانی جمعیت با سطح سواد دیپلم و فوق

پس از تکمیل پرسشنامه ها، پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات به چهار گروه، زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر

دیپلم نیز به آن نزدیک می باشد، علاوه بر این
واقع شدن جمعیت قابل توجه در سطوح
تحصیلات عالی نمایانگر گسترش دانش در این
استان محروم می باشد (جدول ۴).

جدول ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب سطح سواد

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۱۳۴	۴۱.۵
دیپلم و فوق دیپلم	۱۲۵	۳۸.۷
لیسانس	۵۷	۱۷.۶
فوق لیسانس و بالاتر	۷	۲.۲
جمع	۳۲۳	۱۰۰

یافته های تحقیق

- توصیف داده ها

گویه ۵، محرومیت اجتماعی-فرهنگی گویه و محرومیت اقتصادی ۴ گویه اختصاص یافت. اگر همه افراد در گویه های پنج تایی گزینه احساس محرومیت خیلی زیاد را انتخاب می نمودند، حداکثر عدد ۲۵ و اگر همه گزینه خیلی کم را برمی گزیدند، حداکثر عدد آن ۵ می شد. پس از استخراج اطلاعات مشاهده گردید که عدد احساس محرومیت در بعد سیاسی ۱۹/۵۹ و در بعد اجتماعی و فرهنگی نیز ۱۹/۷۹ می باشد، علی رغم اندک تفاوت در این دو بعد، احساس محرومیت در آنها نیز در حد زیاد می باشد. همچنین در رابطه با احساس محرومیت اقتصادی که دارای چهار گویه بود، حداکثر احساس محرومیت نسبی عدد ۲۰، حداقل آن ۴ می تواند باشد. بر اساس مطالعه انجام گرفته عدد احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی ۱۴/۷۳ است. بدین ترتیب در این بعد نیز احساس محرومیت نزدیک به زیاد می باشد.

جدول ۵ احساس محرومیت را در حالت کلی و به تفکیک ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی بر حسب درصد نشان می دهد. در مجموع گویه « ما بلوچ ها در برگزاری مراسم مذهبی خود با مشکل مواجه هستیم» با

برای سنجش احساس محرومیت نسبی تعداد چهارده گویه با پنج طیف در نظر گرفته شد. در این طیف پنج گزینه برای بالاترین احساس محرومیت نسبی نمره ۵ و برای پایین ترین احساس نیز نمره ۱ لحاظ گردید. بر این مبنا اگر همه افراد نمونه در کلیه گزینه ها احساس محرومیت خیلی زیاد را انتخاب می کردند، حداکثر عدد این گزینه ۷۰ می شد و اگر گزینه خیلی کم را بر می گزیدند، عدد مربوطه حداکثر ۱۴ می گردید و چنانچه همه افراد گزینه متوسط را انتخاب می کردند، حداکثر عدد آن ۴۲ می شد. پس از استخراج و طبقه بندی داده ها مشخص شد که در این مطالعه میانگین عدد احساس محرومیت ۵۴/۰۸ است. این عدد نشان دهنده احساس محرومیت نسبی در حدود زیاد می باشد. بدین ترتیب در مجموع احساس محرومیت در این شهر در حد زیاد بین مردم بلوچ وجود دارد. اما برای مشخص شدن ابعاد مختلف احساس محرومیت آن را به سه بخش احساس محرومیت سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی تقسیم بندی نموده، برای سنجش محرومیت سیاسی ۵

رابطه احساس محرومیت نسبی با هویت قومی

های کم و خیلی کم ، ۵۱/۱ درصد پاسخگویان کمترین احساس محرومیت نسبی را نشان می دهند.

۸۸/۳ درصد انتخاب در حد زیاد و خیلی زیاد پاسخگویان بالاترین میزان محرومیت نسبی را و گویه « در صدا و سیمای استان به آداب و رسوم بلوچ توجه مناسبی می شود» با انتخاب گزینه

جدول ۵ : احساس محرومیت به تفکیک گویه ها (به درصد)

ابعاد محرومیت	گویه ها	میزان موافقت			
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد
سیاسی	در استخدام دولتی بین بلوچ و غیر بلوچ فرقی گذاشته نمی شود	۲۵.۱	۲۷.۹	۳۰	۹
	بلوچ ها در دسترسی به پست های دولتی در سطح شهرستان با مشکل مواجه نیستند	۳۴.۱	۳۹	۲۲	۳.۱
	بلوچ ها به پست های دولتی در سطح استان دسترسی ندارند	۴	۵.۹	۱۳.۴	۳۵.۹
	بلوچ ها به پست های دولتی در سطح کشور(ملی) دسترسی ندارند	۱.۹	۴	۱۴.۲	۳۵
	ما بلوچ ها از حقوق سیاسی مناسبی برخورداریم	۲۶	۳۱	۳۱.۹	۷.۱
اجتماعی و فرهنگی	۶ امکانات مناسب برای گسترش فرهنگ بلوچ وجود ندارد.	۵	۷	۱۸.۹	۳۱
	۷ دولت به دنبال توسعه فرهنگ غیر بلوچ در منطقه است	۳.۱	۹.۹	۱۸	۳۵.۹
	۸ ما بلوچ ها در برگزاری مراسم مذهبی خود با مشکل مواجه هستیم	۳.۱	۴	۴.۶	۳۸.۱
	۹ در صدا و سیمای استان به آداب و رسوم بلوچ توجه مناسبی می شود	۲۲	۲۹.۱	۲۷.۹	۱۲
اقتصادی	۱۰ ما بلوچ ها از امکانات رفاهی، تفریحی ، بهداشتی و غیره کمتری نسبت به سایر ایرانی ها برخورداریم	۰.۹	۱.۹	۱۱.۱	۳۹
	۱۱ میزان سرمایه گذاری اقتصادی دولت در منطقه ما مناسب است	۲۴.۱	۳۱.۹	۳۴.۱	۸
	۱۳ میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در منطقه ما کم است	۱.۹	۴	۱۲	۴۴
	۱۲ محرومیت منطقه ما بیشتر ناشی از کمبود منابع طبیعی است	۲۰.۱	۳۹	۲۶.۹	۹
	۱۴ محرومیت اقتصادی در کل کشور وجود دارد و ربطی به بلوچ بودن ما ندارد	۲۲	۳۰	۲۷.۹	۱۳

نهایت علی‌رغم تصورات اولیه میزان احساس محرومیت در زمینه اقتصادی قرار می‌گیرد (جدول ۶).

به تفکیک ابعاد محرومیت به طور میانگین احساس محرومیت در بعد اجتماعی - فرهنگی بیشتر از سایر موارد است. پس از آن احساس محرومیت در زمینه‌های سیاسی بیشتر است و در

جدول ۶: احساس محرومیت در ابعاد سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی (به درصد)

ابعاد محرومیت	کم و خیلی کم	متوسط	زیاد و خیلی زیاد
سیاسی	۲۵.۶	۲۲.۳	۶۹.۶۴
اجتماعی - فرهنگی	۱۰.۸۹	۱۶.۰۴	۷۲.۷۱
اقتصادی	۱۲.۴۸	۲۵.۲۲	۶۲.۳

گرایش به هویت قومی را نشان می‌دهند و گزینه «من خودم را اول بلوچ می‌دانم و بعد ایرانی» با ۵۱/۱ درصد، گزینه «به نظر من یک بلوچ فقط باید با یک بلوچ ازدواج کند» با ۵۶/۱ درصد و گزینه «من در انتخاب دوست، بلوچ را به غیر بلوچ ترجیح می‌دهم» با ۵۷/۸ درصد به ترتیب کمترین میزان گرایش به هویت قومی را نمایش می‌گذارند.

- آزمون فرضیه‌ها

با توجه به این که داده‌های این پژوهش در مقیاس رتبه‌ای هستند، از ضریب همبستگی اسپیرمن برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. نتایج آزمون وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر تابع را تأیید می‌کند، اما قوت و شدت رابطه در همه موارد یکسان و یک اندازه نیست که وضعیت هر یک از فرضیه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بین احساس محرومیت نسبی در بعد فرهنگی - اجتماعی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس داده‌های میدانی، بین احساس محرومیت فرهنگی - اجتماعی با هویت قومی رابطه مثبت بالایی مشاهده می‌شود. یعنی هرچه احساس محرومیت در بعد فرهنگی - اجتماعی

برای اندازه‌گیری میزان گرایش به هویت قومی نیز تعداد هفده گویه در پنج طیف طرح گردید. در این طیف پنج گزینه‌ای نیز برای بالاترین احساس محرومیت نسبی نمره ۵ و برای پایین‌ترین احساس نیز نمره ۱ لحاظ گردید. بر این اساس چنانچه همه پاسخگویان در کلیه گزینه‌ها گرایش به هویت قومی را در حد خیلی زیاد انتخاب می‌کردند، حداکثر عدد این گزینه ۸۵ می‌شد و اگر گزینه خیلی کم را بر می‌گزیند، عدد مربوطه حداکثر ۱۷ می‌گردید و چنانچه همه افراد گزینه متوسط را انتخاب می‌کردند، حداکثر عدد آن ۵۱ می‌شد. پس از مطالعه مشخص گردید که میانگین عدد گرایش به هویت قومی در این شهر ۶۵/۰۵ است. با این عدد یعنی گرایش به هویت قومی در بین جمعیت بلوچ این شهر در حد زیاد می‌باشد.

جدول شماره ۷ گرایش به هویت قومی را بر اساس گویه‌های مختلف نشان می‌دهد. از میان گویه‌های هویت قومی، گویه «من سعی می‌کنم بیشتر به زبان بلوچی صحبت کنم» با ۹۰/۱ درصد، گویه «من در انتخابات مجلس شورای اسلامی فقط به بلوچ‌ها رأی می‌دهم» با ۹۰ درصد و گویه «سرزمین بلوچستان را دوست دارم و به آن عشق می‌ورزم» با ۸۳ درصد گزینش زیاد و خیلی زیاد پاسخگویان به ترتیب بیشترین میزان

ترتیب فرضیه دوم نیز با سطح معناداری ۰/۰۱ تأیید می شود.

فرضیه سوم: بین احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

با وجود این که بین احساس محرومیت اقتصادی و هویت قومی رابطه مثبت مشاهده می گردد، ولی این رابطه همانند فرضیه های قبلی بالا نیست با این حال فرضیه سوم با سطح معناداری ۰/۰۵۱ تأیید می گردد.

بیشتر می شود ، گرایش به هویت قومی نیز افزایش می یابد. این فرضیه با سطح معناداری ۰/۰۰۵ تأیید می گردد.

فرضیه دوم: بین احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین احساس محرومیت سیاسی و گرایش به هویت قومی رابطه مثبت وجود دارد و با افزایش میزان احساس محرومیت سیاسی بر میزان گرایش به هویت قومی نیز افزوده می شود. به این

جدول ۷: هویت قومی به تفکیک گویه ها (به درصد)

میزان موافقت					گویه ها
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۵	۷.۱	۱۳.۹	۳۳.۱	۴۰.۹	ما بلوچ ها دارای تاریخ قومی خاصی هستیم
۸	۱۲.۱	۲۵.۱	۳۹.۹	۱۴.۹	من به خواندن کتابهای تاریخی راجع به قوم بلوچ علاقمندم
۳.۱	۵	۸.۷	۴۶.۱	۳۷.۲	من به تاریخ قوم بلوچ افتخار می کنم
۷.۱	۵۰.۲	۳۷.۸	۴	۰.۹	زبان بلوچی یکی از شاخه های زبان فارسی باستان است
۰	۱.۹	۸	۳۸.۱	۵۲	من سعی می کنم بیشتر به زبان بلوچی صحبت کنم
۴	۱۳	۱۸.۹	۴۲.۱	۲۲	من علاقه زیادی به موسیقی بلوچی دارم
۵.۹	۷.۱	۳۱	۳۷.۲	۱۸.۸	ما در جشن ها و مراسم عروسی فقط از موسیقی بلوچی استفاده می کنیم
۸	۱۳	۲۷.۹	۳۱	۲۰.۱	من خودم را اول بلوچ می دانم بعد ایرانی
۳	۹	۹	۴۴	۳۵	من از این که یک بلوچ هستم به خودم می بالم
۱۳	۵.۹	۱۲.۱	۳۹	۳۰	من خودم را اول مسلمان می دانم بعد بلوچ
۸	۹.۹	۲۱.۱	۳۵.۹	۲۵.۱	حاضرم در راه دین جانم را فدا کنم
۱.۹	۴	۱۱.۱	۳۱.۹	۵۱.۱	سرزمینم بلوچستان را دوست دارم و به آن عشق می ورزم
۳۹	۲۶.۹	۲۵.۲	۸	۰.۹	من در انتخاب محل زندگیم مناطق بلوچ نشین را به سایر مناطق ایران ترجیح نمی دهم
۴	۱۴.۹	۲۳.۸	۳۷.۲	۲۰.۱	من در انتخاب دوست بلوچ را به غیر بلوچ ترجیح می دهم
۸	۱۳	۲۲.۹	۳۱	۲۵.۱	به نظر من یک بلوچ فقط باید با یک بلوچ ازدواج کند
۳.۱	۷.۲	۱۰.۸	۴۳	۳۵.۹	علاوه بر احزاب سیاسی ملی، باید احزاب محلی که به مطالبات قومی می پردازند، شکل بگیرد
۱.۹	۳.۱	۵	۴۳	۴۷	من در انتخابات مجلس شورای اسلامی فقط به بلوچ ها رای می دهم

تواند پیامدهای منفی در پی داشته باشد، چون در این حالت غالباً برای رفع محرومیت‌ها از احساسات قومی استفاده می‌گردد که در بسیاری از مواقع این احساسات غیرقابل کنترل بوده مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر حکومت مرکزی را به دلیل خدشه دار شدن همبستگی ملی و امنیت داخلی به مقابله فرا می‌خواند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد:

۱- در بعد سیاسی، حاکمیت در استخدام افراد بلوچ و غیر بلوچ و رسیدن آنها به مناصب سیاسی انصاف و عدالت را مد نظر قرار دهد.

۲- در بعد اجتماعی و فرهنگی، نیازهای اولیه و ثانویه جمعیت بلوچ و غیربلوچ منطقه به یکسان برآورد گردد.

۳- در بعد اقتصادی، حل مشکلات اقتصادی مردم محروم منطقه در اولویت‌های اولیه حاکمیت قرار گیرد. در این رابطه ایجاد زمینه و بسترهای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خصوصی و همچنین سرمایه‌گذاری‌های دولتی و ملی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

فرضیه چهارم: بین احساس محرومیت نسبی در حالت کلی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین احساس محرومیت در حالت کلی و گرایش به هویت قومی نیز با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود. منظور از احساس محرومیت در حالت کلی، ترکیبی از احساس محرومیت فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. بدین ترتیب با سطح اطمینان بالا همبستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر تابع (هویت قومی) تأیید می‌گردد و این بدان معنا است که هرچه میزان احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود، گرایش به هویت قومی نیز بالا می‌رود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که احساس محرومیت نسبی در حالت کلی و به تفکیک سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در این شهر در سطح بالا است. از طرف دیگر گرایش به هویت قومی نیز زیاد می‌باشد. همچنین بین آنها رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این مسئله می‌

منابع

-خنجی، امیرحسین، سال . نگاهی گذرا به مسئله قومیت‌ها در ایران و ادعای موهوم «فارس سالاری» و «تبعیض قومی» سایت <http://www.iranatarikh.com>
-رضایی احمد و سایر، ۱۳۸۶. گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران، مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۴، صفحه ۴-۹.
-رفیع پور، ف، ۱۳۷۰. جامعه روستایی و نیازهای آن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ؟ صفحه.
-سازمان پارک‌ها و فضای سبز زاهدان، ۱۳۸۵. پارک علمی و آموزشی، استانداری سیستان و بلوچستان.

-احمدلو، ح، ۱۳۸۱. رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحه ۴-۹.
-استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۹. دفتر تقسیمات سیاسی.
-جنکینز، ر، ۱۳۸۱. هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، شیرازه، ؟ صفحه.
-چلبی، مسعود و همکاران، ۱۳۷۸. هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، ؟ صفحه.

-قیم، ع، ۱۳۸۰. نگاهی جامعه شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۷، **صفحه ۴-؟**.

-گرتد، ر، ۱۳۷۷. چرا انسان ها شورش می کنند، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، **؟ صفحه**.

-گندمکار، ج، ۱۳۸۹. نقش جمعیت در دفاع سرزمینی کشور (بررسی موردی قوم بلوچ در جنوب شرق)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامع امام حسین.

-مقصودی، م، ۱۳۸۰. تحولات قومی در ایران، علل و زمینه ها، تهران انتشارات تمدن ایرانی، **؟ صفحه**.

-یوسفی، ع، ۱۳۸۴. روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران، کتاب همبستگی ملی در ایران، موسسه مطالعات ملی، **؟ صفحه**.

-شیخاوندی، د، ۱۳۸۱. «تکوین و تکون هویت ملی در جریان تربیت»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲، **صفحه ۴-؟**.

-صفوی، ع، ۱۳۸۱. توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی (تجربه زاهدان)، ماهنامه شهرداری ها، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، شماره ۴۶، **صفحه ۴-؟**.

-الطایی، ع، ۱۳۸۲. بحران هویت قومی در ایران، تهران، شادگان، **؟ صفحه**.

-قاسمی، م، ع، ۱۳۸۱. درآمدی بر پیدایش مسایل قومی در جهان سوم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۱، **صفحه ۴-؟**.

-قیصری، ن، ۱۳۸۱. قومیت عرب خوزستان و هویت ملی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، **؟ صفحه**.

identity, Political Geography, v. 18 , p. 563-589.

-Kroger, J.,1996. Identity Adolescence: The Balance between Self and Other, Second edition. London and NewYork, **؟ p.**

-Sassenberg, k., Margarete, B., and Seven, R., 2005. Attitude change in face-to-face and computer-mediated communication: Private self-awareness as mediator and moderator, European Journal of Social Psychology, Published online in Wiley InterScience, **؟ p.**

-Tammeveski, P., 2003. The making of national identity among older Estonians in the United States, Journal of Aging Studies, v.?, p. ?-?.

-www.weather.ir

-Coeser, L.A.,1972. Theori Sozialer Konflikte,Berlin:luchterhand, **؟ p.**

-Copeland, M. P., Katherine, J., and Jamie B.,2008, Social identity, status and social networks: Predictors of advice seeking in a manufacturing facility, Asian Journal of Social Psychology, v.?, p. ?-?.

-Craig, Y., and Duncan, L.,2001. Place national identity and post-sociologist transformatipns: an troduction, political Geography 20, **؟ p.**

-Hegtvedt, K. A., Barry Markovsky, , J., and Injustice, .,1995. Sociologica on Social Psychology, **؟ p.**

-Kong, l.,1999. Globalisation and Singaporeantransmigration: re-imagining and negotiating national